

بررسی ابعاد حقوقی و مالی نقش توسعه اقتصادی و پیامدهای آن بر حکمرانی خوب

نوع مقاله: پژوهشی

محسن امامی قشلاق^۱

حسین بی زوال^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۴

چکیده

زمینه و هدف: هدف این پژوهش نقش توسعه اقتصادی بر حکمرانی خوب (مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران) بود.

روشن: این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است. در این روش با بررسی نظری در پی تحلیل و توصیف مفاهیم و متغیرهای موضوعی پژوهش بوده‌ایم.
یافته‌ها: حکمرانی خوب را حلی برای اغلب مشکلات دولتها از قبیل فساد، افزایش هزینه‌های نظامی و ناکارآمدی ساختارهای اجرائی و قضائی دارد که برای دولتها بسیار ارزشمند است و لیکن دولتهای که با ساختارهای بسته و سیستم غیر منعطف اداره می‌شوند و از وابستگی‌های متقابل جهانی در هراس هستند، نمی‌توانند از امتیازات که برنامه حکمرانی خوب در اختیار دولتها قرار می‌دهند بهره‌مند شوند.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد که توسعه روابط بین‌الملل با افزایش کمک نهادها و سازمان‌های بین‌المللی در زمینه‌های مختلف و دریافت وام‌های خارجی در جهت توسعه بخش‌های زیر بنائي و کاهش رسک‌پذیری و ایجاد امنیت برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و افزایش تولید ناخالص ملی بواسطه رشد سرمایه‌گذاری و رشد و گسترش کیفی و کمی نهادهای جامعه مدنی که مشارکت بخش‌های دولتی و خصوصی را در پی خواهد داشت و کاهش هزینه‌های نظامی و اداری حاصل از اصلاح قوانین و ساختارها و نگرش حاکمان زمینه حکمرانی خوب را فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، دولت خوب، توسعه اقتصادی، جمهوری اسلامی، بروکراسی

طبقه‌بندی JEL: K00

^۱ استادیار گروه حقوق، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول).

m_emami63@yahoo.com

Hosseinkmk2016@gmail.com

^۲ کارشناسی ارشد، اقتصاد اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران

مقدمه

حکمرانی خوب شامل ساز و کارها، فرآیندها و نهادهایی است که به واسطه آن ها به شهروندان، گروه ها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال حقوق قانونی خود را اجرا می کنند و تعهداتشان را برآورده می سازند و تفاوتشان را تعديل می کنند (یگانگی و الوانی، ۱۳۹۵). با توجه با حیطه مدیریت دولتی حداقل سه جهت گیری می توان مشخص کرد اول اینکه مدیریت دولتی را بخشی از فرایند دولت دانست که به تدوین و اجرای خط مشی عمومی می پردازد و آن را وابسته به علم سیاست محسوب کرد که به اصطلاحاتی نظری عدالت، آزادی، انصاف، پاسخگوی و غیره اشاره می کند از این دیدگاه تئوری سازمان دولتی صرفاً بخشی از تئوری سیاسی به حساب می آید. دوم اینکه سازمان های دولتی را همانند سازمان های خصوصی مد نظر قرار داد با دغدغه هایی مشابه در مورد مسائلی نظیر کارایی، اثربخشی، الگوهای انگیزشی و نظایر این موارد از این دیدگاه تئوری سازمان دولتی بخشی از تئوری سازمان است و سومین جهت گیری که مدیریت دولتی را به عنوان یک حرفه در نظر گرفته که همچون پزشکی و حقوق از دیدگاه های نظری مختلفی استخراج می شود مطابق این دیدگاه تئوری سازمان دولتی هم دست نیافتنی هست و هم تا مطلوب و از آنجایکه برخی از دانشمندان عرصه مدیریت دولتی نظیر رابت دنهارت محور اداره امور عمومی را کسب دانش تعریف کرده اند تا مدیران به مقتضای آن تضمیمات و اقدامات عملی را اتخاذ و پیشه خود سازنده و باز به این دلیل که تئوری ها، تامین کننده دانش اصلی مورد نیاز ما بوده و نظریه ها نیز معمولاً خود را در مدل ها به نمایش می گذارند؛ لذا در این پژوهش سعی شد با توجه به جهت گیری های سه گانه سیاسی، سازمانی و حرفه ای (دنهارت) در نقطه تلاقی تئوری های سیاسی و سازمانی مدیریتی مدلی شکل گیرد که همان حاکمیت (دموکراتیک) اثربخش دنهارت بوده با مقداری مسامحه حکمرانی خوب تلقی می شود. حکمرانی خوب الگوی جدیدی برای توسعه پایدار است که بر همکاری مبتنی بر شراکت و تعامل سه بخش دولتی، خصوصی و مدنی تأکید دارد تا به موجب آن کشورها بتوانند از همه توانمندی های خود در توسعه همه جانبه استفاده کنند (یاقرزاوه و همکاران، ۱۳۹۹).

۱. بیان مسئله

بیشتر نتایج تجربی به دست آمده، حاکی از این امر است که ابعاد مختلف توسعه اقتصادی، رابطه تنگاتنگی با متغیرهای حکمرانی دارد (سوریا دراما، ۲۰۰۸؛ موسکا، ۲۰۰۷؛ راجکومار و اسواروپ، ۲۰۰۷؛ کافمن^۱ و همکاران، ۲۰۰۴؛ بورسايد و دلار، ۲۰۰۰). این مطالعات به تجزیه و تحلیل آثار

^۱ Kaufman

فساد و مشکلات مربوط به نهادهای حکومتی بر روی متغیرهای مختلفی، از قبیل رشد اقتصادی، سرمایه گذاری بخش خصوصی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی و هزینه‌های دولت، پرداخته اند. با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان عنوان کرد که حکمرانی خوب نقش غیرقابل انکاری در افزایش تأثیرگذاری هزینه‌های دولت دارد، به عبارت دیگر، هزینه‌های بهداشتی دولت در کشورهایی که شاخص‌های بهتری در فساد و بوروکراسی داشته‌اند، تأثیر بیشتری در کاهش مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال داشته است، زیرا کاهش فساد و بهبود وضعیت بوروکراسی در نهادهای اجرایی، کارکرد هزینه‌های دولتی در امر بهداشت را افزایش داده است. این نتایج برای هزینه‌های آموزشی نیز صادق است و افزایش هزینه‌های آموزشی دولت در کشورهایی که از فساد پایین و بوروکراسی مطلوب‌تری برخوردارند، تأثیرگذاری بیشتری بر متغیرهای آموزشی داشته و متغیرهای حکمرانی مورد استفاده، تفاوت‌های مشاهده شده در تأثیرگذاری هزینه‌های بهداشتی و آموزشی کشورهای مختلف را به خوبی توضیح می‌دهد. با توجه به این موضوع، می‌توان دلیل شکست در نیل به اهداف برخی از هزینه‌های دولت را در وجود فساد و بوروکراسی پیچیده و غیر کارآمد در دستگاه‌های مختلف حکومتی دانست (صیاغ کرمانی و سخا، ۱۳۸۸).

مفهوم حکمرانی خوب بخصوص پس از پایان جنگ جهانی دوم، ورود نظریات رفتارگرایانه و علمی به پژوهش‌های حوزه علوم انسانی و ضرورتاً علوم سیاسی و روابط بین الملل، جایگاه ویژه‌ای در نزد نظریه پردازان علوم سیاسی و روابط بین الملل پیدا کرده است، آنچه که باید به آن اذعان کرد اینست که پس از سال ۱۹۷۰ و چرخش ساختارگرایانه و نیز تحولات مهم در قالب جهانی شدن و تسری سیاست به سایر حوزه‌ها زمینه بازنگری در این مفهوم پیش از پیش احساس می‌شود.

از سوی دیگر، رشد و تنوع و وسائل ارتباط جمعی نیز به باز شدن فضای اطلاعاتی کمک کرده تا بتوان حکمرانی‌های خوب و بد را از یکدیگر تمیز داد. همچنین نفوذ نهادهای بین المللی در ساختار دولت و ملت هم بر زیر ذریبن رفتن رفتار دولت‌ها کمک کرده و از این‌رو، حاکمان نمی‌توانند آنچه را که انجام می‌دهند از شهروندان خود پنهان سازند. بعلاوه، همانطور که حکمرانی خوب در محیط‌های فکری و نظام سیاسی بسته اعمال نمی‌شود، در فرآیند جهانی شدن و در عرصه مناسبات نظام بین الملل کشورهای که با سیستم بسته اداره می‌شوند، از اینکه قدرت شان آسیب‌پذیرتر گشته، سخت در هراس بوده و سعی دارند این مفهوم، فضای تهدید بسازند. در حالیکه اگر آنرا بصورت یک فرصت جهانی برای توسعه و همکاری تلقی کنند، در اداره داخلی حکومت نیز موقفيت بیشتری کسب خواهند کرد.

علاوه بر این موارد حکمرانی خوب راه حل های برای اغلب مشکلات دولت ها از قبیل فساد، افزایش هزینه های نظامی و ناکارآمدی ساختارهای اجرائی و قضائی دارد که برای دولت ها بسیار ارزشمند است و لیکن دولت های که با ساختارهای بسته و سیستم غیر منعطف اداره می شوند و از وابسته گی های متقابل جهانی در هراس هستند، نمی توانند از امتیازات که برنامه حکمرانی خوب در اختیار دولت ها قرار می دهند بهره مند شوند در واقع عرصه نظام بین الملل از منظر کارشناسان و اندیشمندان سیاست بین الملل به سمتی حرکت می کند که دیگر دولت ها را بازیگران اصلی ندانسته و کنشگران دیگری در عرصه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی وارد صحنه معادلات می کند.

اهمیت و ضرورت این پژوهش از آن جهت است که مفهوم حکمرانی خوب بخصوص پس از پایان جنگ جهانی دوم، ورود نظریات رفتارگرایانه و علمی به پژوهش های حوزه علوم انسانی و ضرورتاً علوم سیاسی و روابط بین الملل، جایگاه ویژه ای در نزد نظریه پردازان علوم سیاسی و روابط بین الملل پیدا کرده است، آنچه که باید به آن اذعان کرد اینست که پس از سال ۱۹۷۰ و چرخش ساختارگرایانه و نیز تحولات مهم در قالب جهانی شدن و تسری سیاست به سایر حوزه ها زمینه بازنگری در این مفهوم پیش از پیش احساس می شود. در واقع در دنیای بشدت جهانی شده که دولتها به واسطه وابستگی متقابل سیاسی، اقتصادی و امنیتی محدود شده اند رابطه میان دو مفهوم تحولات نظام بین الملل و حکمرانی خوب از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. در واقع مناسبات جدید در عرصه بین الملل بر تعدد بازیگران جهانی افزوده است، ضمن بیان قدرت موسسات بین المللی و سازمانهای غیردولتی فراملی، حاکمیت دولت ها را با چالش مواجه ساخته است. این امر سبب شده تا ارتباطات فرا ملی بصورت غیرمستقیم افزایش یافته و در نهایت حکومت گری ها، دیگر به صورت کاملاً بسته شکل نگیرد. در این فرآیند، آنچه که از سوی حکمرانان در جوامع شان عمل می شود، در ابعاد گسترده مورد بررسی جامعه جهانی قرار می گیرد.

از سوی دیگر، رشد و تنوع و وسائل ارتباط جمعی نیز به باز شدن فضای اطلاعاتی کمک کرده تا بتوان حکمرانی های خوب و بد را از یکدیگر تمیز داد. همچنین نفوذ نهادهای بین المللی در ساختار دولت و ملت هم بر زیر ذریبن رفتن رفتار دولت ها کمک کرده و از این رو، حاکمان نمی توانند آنچه را که انجام می دهند از شهروندان خود پنهان سازند.علاوه، همانطور که حکمرانی خوب در محیط های فکری و نظام سیاسی بسته اعمال نمی شود، در فرآیند جهانی شدن و در عرصه مناسبات نظام بین الملل کشورهای که با سیستم بسته اداره می شوند، از اینکه قدرت شان آسیب پذیرتر گشته، سخت در هراس بوده و سعی دارند این مفهوم، فضای تهدید بسازند. در حالیکه اگر آنرا بصورت یک فرصت جهانی برای توسعه و همکاری تلقی کنند، در اداره داخلی حکومت نیز موقیت بیشتری کسب خواهند کرد.

علاوه بر این موارد حکمرانی خوب راه حل های برای اغلب مشکلات دولت ها از قبیل فساد، افزایش هزینه های نظامی و ناکار آمدی ساختارهای اجرایی و قضائی دارد که برای دولت ها بسیار ارزشمند است و لیکن دولت های که با ساختارهای بسته و سیستم غیر منعطف اداره می شوند و از ابسته گی های متقابل جهانی در هراس هستند، نمی توانند از امتیازات که برنامه حکمرانی خوب در اختیار دولت ها قرار می دهند بهره مند شوند در واقع عرصه نظام بین الملل از منظر کارشناسان و اندیشمندان سیاست بین الملل به سمتی حرکت می کند که دیگر دولت ها را بازیگران اصلی ندانسته و کنشگران دیگری در عرصه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی وارد صحنه معادلات می کند. با توجه به مطالب یاد شده، دولتها در راستای تحقق الگوی حکمرانی خوب باید در مسیر تحولات جهانی گام برداشته و به رفتارها و سازگارهای جدیدی متولّ شده و به نقش کنشگران تازه وارد توجه کنند.

لذا با توجه به مطالب یاد شده، دولتها در راستای تحقق الگوی حکمرانی خوب باید در مسیر تحولات جهانی گام برداشته و به رفتارها و سازگارهای جدیدی متولّ شده و به نقش کنشگران تازه وارد توجه کنند. سوال پژوهش این است که توسعه اقتصادی بر حکمرانی خوب چه نقشی دارد؟

جدول ۱. پیشینه‌ی تحقیق

نتایج	نام کتاب یا مقاله	تاریخ انجام تحقیق	نام محقق
نویسنده کتاب در پژوهش خود معتقد است که حکمرانی به طور خلاصه می تواند به معنای تمامی فرآیندهای حکومت کردن باشد . این واژه ، تمرکز برنهادهای رسمی حکومت را با شناسایی فعالیتهای بسیار گسترده ای که فراتر از مرزهای دولت و جامعه است تکمیل می کند این واژه توجه را به سوی فرایندها و برهم کنش های پیچیده ای که در حکومت کردن دخیلاند معطوف می کند	حکمرانی ، درآمدی بسیار کوتاه	۱۳۹۸	سلیمی و کریمی پور
درواقع اصل مهمی که در این کتاب بر آن تأکید شده ارائه تعریفی از حکمرانی به معنای اداره کردن قواعد سیاسی رسمی و	حکمرانی خوب	۱۳۹۶	بهروز و قربانی

<p>غیررسمی یک بازی عنوان نموده‌اند و حکمرانی را در بستر معیارهای جای می‌دهد که شامل وضع قواعد برای اعمال قدرت و حل و فصل تعارضات در عرصه سیاست بین‌الملل و سیاست داخلی در چارچوب قواعد مطرح شده است.</p>			
<p>نتایج تحقیق نشان می‌دهد همچنین حکمرانی خوب نتیجه تعامل و کارکرد قوای یک کشور در عرصه نظام بین‌الملل و سیاست داخلی خود است دولتها را بر آن داشته تا بر تکیه بر این مفهوم و ارائه شاخص‌های آن در حیطه کشور خود بتوانند جایگاه مستحکم برای خود در میان شهروندان و افکار عمومی بیابند.</p>	<p>نقش حکمرانی خوب در کارآمدی دولتها</p>	<p>۱۳۹۵</p>	<p>ابراهیم پور و الیکی</p>
<p>اگرچه نویسنده تأکید می‌کند که ما شاهد الگوی از حکمرانی خوب نیستیم تنها به بزرگنمائی بخشی از این الگوها تأکید دارد در حالی که پژوهش داخلی سعی نموده‌ایم تا مفاهیم و الگوهای مختلف حکمرانی خوب چه در بستر سیاست‌گذاری داخلی و چه در بستر سیاست‌گذاری خارجی را مبنای عمل خود قرار داده و به یک توازن در این حوزه دست یابیم.</p>	<p>مروری بر حکمرانی خوب کلید معماه توسعه</p>	<p>۱۳۹۴</p>	<p>پارسا نصب</p>
<p>نهادهای خوب و کیفیت بالای حکمرانی عموماً پیش نیازهای رشد اقتصادی و سایر نتایج مثبت اجتماعی - اقتصادی در نظر گرفته می‌شوند. این به دلیل نقش آنها در چارچوب تصمیم‌گیری توسط عوامل، از جمله سیاست گذاران، صاحبان مشاغل یا افراد است. علیرغم مشارکت‌های نظری و تجربی فراوان در مطالعه آنها، ما استدلال می‌کنیم که سه عنصر شایسته توجه بیشتر هستند. اول اهمیت اجتناب از دوگانگی‌های ساده بین</p>	<p>رسیدن به دانمارک: دیالکتیک حکمرانی و توسعه در پیرامون اروپا</p>	<p>۲۰۲۱</p>	<p>کوین مورگان و همکاران</p>

<p>نهادهای خوب و بد است، طبقه بندی که به همان اندازه که آشکار می کند مبهم است. دوم، نیاز به جدی تر گرفتن ماهیت چند مقیاسی نهادها، بهویژه هنگام مطالعه سیاستهای منطقه‌ای است. سوم، تعادل بین ساختار و عاملیت است، که از خوانش قطعی اجتناب می کند توسعه نیافتگی.</p>		
<p>ما شواهد تازه‌ای ارائه می کنیم مبنی بر اینکه تأثیرات جهانی‌سازی بر رشد اقتصادی در کشورهایی با QoG بالاتر و عمیق‌تر شدن FDU می‌باشد. ما بیشتر استحکام تحلیل خود را با استفاده از آن بررسی می کنیم‌ازمون U و روش‌های تعمیم یافته پویا رویکرد لحظه‌ای.</p>	<p>رابطه غیرخطی رشد اقتصادی و تفاوت‌های ظریف جهانی شدن با طبقه بندی درآمد: نقش‌های توسعه مالی و حکمرانی</p>	<p>۲۰۲۰ حمیرا حسین و همکاران</p>
<p>برای پرداختن به این موضوع، ما یک تحلیل ترکیبی برای ترسیم ۱۳۴ شیوه و سیاست مستقر در ۷۵ شهر در سراسر جهان ایجاد کردیم و تأثیر نقش‌های حاکمیتی شهیداری‌ها را بر پارادایم شهر به اشتراک گذاشتم. با تکیه بر نتایج خود، ما یک چارچوب یکپارچه برای حکومت شهری پیشنهاد می کنیم که بر اهمیت مشارکت فعال شهیداری‌ها در اجرا و اجرای طرح‌های اشتراک گذاری موفق در شهرها و در نتیجه ارتقای پایداری شهری تاکید می کند.</p>	<p>نقش شهر در اقتصاد اشتراکی: به سوی چارچوبی یکپارچه از شیوه‌ها و مدل‌های حکمرانی</p>	<p>۲۰۲۰ سرجیو باریل و همکاران</p>

۲. مبانی نظری

۱-۱. مفهوم و تعریف توسعه^۱

مفهوم توسعه طی چند دهه اخیر معنایی بسیار متغیر و وسیع داشته است. در سالهای اولیه پس از جنگ جهانی دوم این مفهوم را مترادف رشد و در همان معنای صرف اقتصادی به کار می‌بردند مباحث و نظریات برخی از محققان نظری رستو^۲ بر مبنای چنین تعریفی از توسعه قرار دارد. رستو توسعه را فرآیندی چند مرحله‌ای می‌داند که از مراحلی چون سنتی- انتقالی - خیز و بلوغ می‌گذرد و سرانجام به عالی ترین مرحله رشد یعنی مصرف انبوه می‌رسد. رستو هر مرحله از مراحل فوق مرحله‌ای می‌داند که از مراحلی چون سنتی - انتقالی - خیز و بلوغ می‌گذرد و سرانجام به عالی ترین مرحله رشد یعنی مصرف انبوه می‌رسد. رستو هر مرحله از مراحل فوق را از معیارهای اقتصادی نظری سرمایه‌گذاری، میزان رشد سالانه، میزان مصرف و غیره متمایز کرده است. همین تعریف از توسعه مورد قبول سازمان ملل متحده نیز قرار گرفت. این سازمان که از اوخر دهه ۱۹۵۰ خود را در قبال مساله توسعه نیافتگی کشورهای موسوم به جهان سوم متعهد قلمداد می‌کرد، دهه ۱۹۶۰ را به عنوان اولین دهه توسعه برای این کشورها اعلام کرد. در این تعریف از توسعه و همچنین برنامه ریزی‌های مبتنی بر این تعریف، به مسائلی چون فقر، بیکاری و دیگر نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی در این کشور‌ها توجه نمی‌شد (ساعی، ۱۳۸۰).

هربرت اسپنسر^۳ در قرن ۱۹ این مفهوم را بسط دادند. اسپنسر جامعه را با یک ارگانیسم بیولوژیک مقایسه کرده و آنها را مشابه یکدیگر می‌دانست. ظهور مارکس و ارائه نظریات وی در مورد تحول تاریخی و مطرح نمودن ماتریالیسم دیالکتیک، نقطه عطفی در مفهوم توسعه به شمار می‌آید. تاکید مارکس بیشتر بر توسعه اقتصادی و برقراری عدالت در این زمینه بود. اندیشمندان بسیار دیگری از قبیل امانوئل کانت و آگوست کنت نیز مفهوم توسعه را در ذهن داشته اند. مفاهیم مدرنیسم، رشد، ترقی و دیگر مفاهیم مشابه نیز تأثیر بسیاری بر نظریات بعدی در مورد توسعه داشتند. بر همین اساس بود که بسیاری از اندیشمندان بین انواع جوامع تفاوت قائل شده و توسعه را امری تدریجی می‌دانستند. به عنوان مثال فردیناند تونیس^۴ بین اجتماع و جامعه (به تعبیر خود وی، گمین شافت و گزلشافت)، امیل دورکیم^۵ بین جوامع مبتنی بر همبستگی مکانیکی و جوامع

¹ Development

² Rostow

³ Herbert Spencer

⁴Ferdinand Tönnies

⁵ Emil Durkheim

مبتنی بر همبستگی ارگانیکی و ماکس و برین جوامع مبتنی بر کنشهای بیشتر احساسی و جوامع مبتنی بر کنش های بیشتر عقلانی تفاوت قائل شدند، و طبعاً برتری را به موارد اخیر نسبت می دادند. بعدها نویسندها بسیار گابریل آلموند، لوسین پای، لوی، مور، وربا، بایندر، روسو، آیزنشتات، هانتینگتون و وایتر تحت تاثیر این اندیشه ها به نظریه نوسازی در توسعه روی آوردند (موثقی، ۱۳۸۳).

به طور کلی توسعه، جریانی است که در خود، تجدید سازمان و سمت گیری متفاوت در نظام اقتصادی-اجتماعی سیاسی را به همراه دارد. توسعه علاوه بر اینکه بهبود میزان تولید و درآمد را در بردارد، شامل دگرگونی های اساسی در ساخت های نهادی و اجتماعی - اداری و همچنین دیدگاه های عمومی مردم است. توسعه در بسیاری از موارد، حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز در بر می گیرد. از مجموع نظرات علمای توسعه در تعریف و توسعه، آن را به معنای بازسازی جامعه بر اساس اندیشه ها و بصیرت های تازه تبییر می نماید، که این اندیشه ها و بصیرت های تازه در دوران مدرن؛ شامل سه اندیشه علم باوری، انسان باوری و آینده باوری می دانند؛ به همین منظور طبق نظر ایشان، برای نیل به توسعه، باید سه اقدام اساسی، یعنی درک و هضم اندیشه های جدید، تشریح و تفضیل این اندیشه ها و ایجاد نهادهای جدید برای تحقق عملی این اندیشه ها صورت پذیرد. به هر تقدیر، امروز تلقی ما از مفهوم توسعه، فرآیندی همه جانبه ایست که معطوف به بهبود تمامی ابعاد زندگی مردم یک جامعه، به عنوان لازم و ملزم است، که ابعاد مختلف آن عبارتند از: توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی و اجتماعی و امنیتی است (نظرپور، ۱۳۷۸).

توسعه که معادل واژه دولوپمنت^۱ می باشد به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفتہ تر شدن - قدرتمند تر شدن و حتی بزرگ تر شدن می باشد. توسعه کوششی است برای ایجاد تعادلی تحقق نیافته یا راه حلی است در جهت رفع فشارها و مشکلاتی که پیوسته بین بخش های مختلف زندگی اجتماعی انسانی وجود دارد. توسعه را می توان به معنای کاهش فقر بیکاری - نابرابری صنعتی شدن بیشتر ارتباطات بهتر ایجاد نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت و افزایش مشارکت مردم در امور سیاسی تعریف کرد.

گرچه تعاریف متعدد و گوناگونی از توسعه شده است اما در یک جمع بندی کلی از این تعاریف می توان گفت: توسعه یعنی فراهم شدن زمینه های لازم برای بروز و ظهور ظرفیتها و قابلیتهای عناصر مختلف در اجتماع، و میدان یافتن آنها برای دست یابی به پیشرفت و افزایش توانایی های کمی و کیفی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در بطن جامعه و حکومت همان گونه که از این تعریف

¹ Development

بر می‌آید توسعه نه منحصر به توسعه اقتصادی یا توسعه سیاسی است و نه صرفاً در بر گیرنده شاخصهای کمی رشد.

بدین ترتیب باید اذعان کرد که گرچه در اکثر موارد توسعه با رشد کمی اقتصادی مترادف انگاشته می‌شود اما در حقیقت مفهوم توسعه گسترده تراز این است و حیطه عام تری را در بر می‌گیرد که شاید بتوان گفت توسعه اقتصادی تنها بخشی از یک دایره وسیع را به خود اختصاص می‌دهد. در واقع توسعه گذشته از آنچه به تعبیر هابرمانس (عقلانیت ابزاری) نامیده می‌شود و شامل رشد اقتصادی و گسترش تواناییهای ابزاری و افزایش تولید و ارتقاء سطح رفاه مادی است (عقلانیت فرهنگی) یا (عقلانیت ارتباطی) را نیز در بر می‌گیرد که به معنای گسترش زمینه‌های عقل و منطق گرایی، مفاهeme و ایجاد ارتباط و افزایش ظرفیتهای گفتمانی می‌باشد که از وجوده عمده توسعه سیاسی به شمار می‌رود (اخوان کاظمی، ۱۳۷۷: ۱۱).

۲-۲. کیفیت قوانین و مقررات و توسعه

کیفیت قوانین و مقررات مواردی چون نکات زیر را در بر می‌گیرد: تنظیم قوانین اختلال زا در بازار مانند کنترل قیمت‌ها، ایجاد موانع غیر اصولی و دست و پاگیر در صادرات و واردات، محدودیت‌های زاید در بازار سهام، محدودیت‌های تأسیس یک بنگاه اقتصادی جدید، مقررات دست و پاگیر برای تبدیل ارز و موارد مشابه که هر یک به عنوان مانع برای توسعه اقتصادی مطرح هستند. قانون یکی از ابزارهای اصلی مداخله دولت در اقتصاد است. از دید نهادگراییان دولت و بازار مکمل یکدیگر بوده و دولت به عنوان نهاد فرآگیر و با ابزار حقوق و از طریق وضع قوانین می‌تواند نهادهای جدیدی تعریف، تأسیس و مستقر کند. هم چنین دولت با تصویب قوانین مناسب می‌تواند نقش قابل توجهی در بستر سازی لازم برای کار کرد مناسب سایر نهادها و نیز کار کرد بازار در اقتصاد داشته باشد (رنانی، ۱۳۸۳). جامعه توسعه یافته جامعه‌ای است که قانون در آن در حد بهینه تولید شده باشد. نه چندان کم که رفتارهای بی قاعده و پر هزینه امور جامعه را مختل کند و نه چندان فراوان که راه بر انتخاب بهینه افراد بسته شود (رنانی، ۱۳۸۳).

در حقیقت تصویب هر قانون، تأسیس یک نهاد جدید است که همچون هر پدیده دیگری هزینه‌ها و منافعی دارد، قانونگذاری زمانی به حد بهینه خود می‌رسد که خالص منافع حاصل از آن به حد اکثر خود برسد. از جنبه نظری می‌توان نشان داد که برای یک موضوع مشخص، قانون گذاری تا حد معینی منافع دارد و فراتر از آن حد، منافع رو به کاهش می‌گذارد. قانون گذاری دولت زمانی یک فرآیند اصلاح نهادی قلمداد می‌شود که دارای سه ویژگی زیر باشد (صامتی و همکاران، ۱۳۹۰).

۳-۲. حاکمیت قانون و توسعه

تعریف سازمان ملل از حاکمیت قانون به اصول حاکمیت اشاره دارد که در آن همه افراد و نهادهای خصوصی و دولتی (شامل خود دولت) در برابر قوانین پاسخگو هستند. قوانینی که به طور عمومی منتشر شده اند، به طور مساوی اجرا می شوند، به طور مستقل حکم می شوند و ضمناً سازگار با حقوق بشر بین المللی هستند. بر اساس تعریف بانک جهانی حاکمیت قانون به دنبال محدود کردن قدرت دولت و محافظت از حقوق شهروندان در مقابل سوء استفاده با استفاده خودسرانه دولت از قدرتش است. حاکمیت قانون تنها قواعد و مقرراتی نیست که توسط قانون وضع می شود، بلکه تضمینی است برای آزادی، حقوق بشر و رفتاری یکسان با شهروندان در برابر قانون (واتسون، ۲۰۰۳). در الگوی حکمرانی خوب دولت یک فضای مفید حقوقی و سیاسی، بخش خصوصی شغل و درآمد و جامعه‌ی مدنی تعاملات سیاسی و اجتماعی را تسهیل می کند، بنابراین تمام نیروهای اجتماعی در عرصه اقتصادی مشارکت دارند. بازیگران این ساختار کنش و نقش فعالی در عرصه‌ی بین المللی از طریق تعامل با دیگر دولت‌ها، نهادهای غیردولتی و سازمان‌های بین المللی دارد و عرصه را برای فعالیت اقتصادی گسترش می دهد (صفریان و همکاران، ۱۳۹۸).

مؤلفه‌های حکمرانی خوب از پایه‌های اصلی برای کاهش هزینه‌های انتقال و بازار رقابتی و همچنین حرکت دادن سرمایه به بخش‌های مختلف اقتصادی با ارزش افزوده بالا و افزایش تولید است. از طرفی دیگر، موازن‌سازی از طریق توزیع قدرت و ثبات ائتلاف‌ها، محیط مناسبی برای رشد اقتصادی فراهم می کند (هماج ۱، ۲۰۱۷).

حکمرانی خوب نقش مؤثری در تدارک مفید و بهتر منابع هم سرمایه و هم کار دارد و در نهادینه کردن رشد و توسعه، مقابله با فساد در انواع مختلف آن باشفاف کردن فرآیند‌ها، پویا شدن ساختارها و کارآمدی یک قوه قضائیه‌ی مستقل است (اختررحبیمی، ۲۰۱۸) بر این اساس، یکی از جنبه‌های اساسی و تبیین کننده‌ی ماهیت حکمرانی خوب شفافیت است که در عرصه‌ی اقتصادی هرگونه رانت و ویژه خواری از بین می برد و شرایط را برای رقابت سالم و بروز استعدادها فراهم می سازد و این خود می تواند به برقراری عدالت اجتماعی در جامعه کمک کند و زمینه را برای توزیع عادلانه امکانات و موهاب فراهم سازد (میسرز ۲، ۲۰۱۴). در این فضا کسب و کارها هم گسترش می یابد، سرمایه گذاری و تولید داخلی هم رشد می کند و به نوعی رویه‌های قانونی در جهت شکوفایی اقتصادی هستند. حکمرانی خوب از نظر شکلی با نظام اداری کارآمد و حاکمیت قانون، ارائه‌ی خدمات به جامعه با بهترین استفاده از منابع و سازماندهی منطقی و پویاساختارها

¹ Hammache

² Measerse

مدیریت توسعه را انجام می دهد. با ترتیبات قانونی و نهادی قراردادها، تفاقات و معاملات در عرصه اجتماعی در مسیر از پیش تعیین شده قرار می گیرد (صفریان و همکاران، ۱۳۹۸).

بر این اساس، الگوی حکمرانی خوب از طریق حق اظهار نظر و پاسخگویی به تقویت آگاهی های عمومی و شفافیت منجر می شود و صاحبان کسب و کار از بینش و قدرت لازم برای نقد سیاست های اقتصادی نادرست و مقابله با تغییرات نابه جا برخوردارند، با ثبات سیاسی انگیزه ی کافی برای تولید و سرمایه گذاری وجود دارد و به نوبه آن تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه افزایش می یابد. با بوروکراسی کار آمد هماهنگی ها و انجام امور تسريع می شود. کیفیت قوانین و مقررات در کاهش هزینه ها و رفع موانع کمک کننده خواهد بود. با حاکمیت قانون حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادها تضمین می شود. با کنترل فساد ابتکار و نوآوری بر رانت و روش غلبه کرده و ظرفیت های فنی جامعه ارتقا پیدا می کند و جذابیت های اقتصادی بیشتر می شود (محمدی، ۱۳۹۶).

در مجموع مشارکت عادلانه، کارآمدی، پاسخ گویی شرایط را برای ایجاد محیطی توانمند فراهم می کند و عرصه برای کارآفرینی و تحرک هم در حوزه عمومی و خصوصی هموار می شود. از مالکیت معنوی و مادی کارآفرینان حمایت می شود و آن به عنوان محركی برای سرمایه گذاری و رشد اقتصادی عمل می کند. زمینه برای انجام کسب و کار با ایجاد تشکل های قدرتمند نظارتی تسهیل می شود. با دستورالعمل های روشن، یکپارچه و شفاف کسب وکارها پشتیبانی می شود. شرکت ها در جهت صحیح تنظیم شده به فعالیت می پردازند و حقوق مالکیت افراد را تضمین می کند. نقش منطقی دولت و ساختار اداری ضمن تسريع فرآیندها موجب کاهش فساد و بهبود فضای کسب و کار می شود. لذا دو کارکرد مهم اقتصادی الگوی حکمرانی خوب ساختار انگیزشی مناسب و ایجاد عنصر اطمینان است (صفریان و همکاران، ۱۳۹۸).

۳. کانال های اثر گذاری حاکمیت قانون بر توسعه ۳-۱. حمایت از حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادها

ارتباط میان حقوق مالکیت، حسن اجرای قراردادها و توسعه اقتصادی از کانال های متفاوتی مورد بررسی قرار می گیرد که در همه آن انگیزه ها نقش محوری ایفا می کنند. هر چه حقوق مالکیت پیشرفته تر باشد، افراد انگیزه بیشتری برای سرمایه گذاری دارند. چرا که مالکان اطمینان دارند در آینده به سود حاصل از سرمایه گذاری های خود خواهند رسید. ضمناً زمانی که افراد نسبت به دارایی خود اختیار داشته باشند می توانند بر روی آن ها تجارت کنند. از طرف دیگر اثر بخشی حاکمیت قانون در حسن اجرای قراردادها آشکار می گردد. چرا که این عامل اعتماد بیشتری در

سرمایه گذاران ملی و بین المللی ایجاد می کند. وقتی این احتمال وجود دارد که شریک تجاری افراد (که ممکن است دولت نیز باشد) از قراردادها پیروی نکند، میزان ریسک افزایش می یابد و گسترش تولید کمتر خواهد بود. بنابراین در روند توسعه اقتصادی وجود یک مکانیسم اجرایی فوی بوسیله یک ساختار قضایی مورد اطمینان برای تضمین امنیت حقوق افراد، اهمیت بسیاری دارد (ها گارد^۱ و همکاران، ۲۰۰۸).

۳-۲. توسعه بازارها

توسعه بازارها اساساً یک چالش حقوقی است. بازارها در خلا به وجود نمی آیند. بلکه توسط شبکه پیچیده ای از زیرساخت های نهادی حمایت می شوند (گریف، ۲۰۰۵). قانون و نهادهای خوب بازارها را تقویت می کنند؛ چرا که هر مبادله ای در بازار نیازمند ساختاری قانونی است که متضمن به رسمیت شناختن حقوق مالکیت خریداران و فروشنده‌گان می باشد. همچنین وجود ساز و کارهای اجرایی قراردادها از جمله قوانین صریح قابل پیش بینی، شفافیت در روش ها و اجرای بی طرفانه قوانین نیز برای توسعه بازارها ضروری است (صامتی و همکاران، ۱۳۹۰).

بازارهای سرمایه نیز نقش اساسی در توسعه اقتصادی جوامع ایفا می کنند. آن ها به عنوان یک مجرأ بین سرمایه گذاران و پس انداز کنندگان عمل می نمایند. در سراسر دنیا بازاریابی سهام تبدیل به یک منبع بزرگ تامین مالی خارجی برای بخش شرکتی شده است و شرکت های بزرگ از این طریق می توانند سرمایه زیادی به دست آورند و ضمناً ریسک های موجود را بین سهامداران بیشتری پخش کنند. قانون باید بتواند ابزارهایی برای به اشتراک گذاشتن ریسک، خصوصاً برای سهامداران کوچک در مقابل سهامداران بزرگ ارایه دهد (لوبنا،^۲ ۲۰۱۰).

۳-۳. کارآفرینی

حاکمیت قانون، کارآفرینی و توسعه کسب و کار را نیز تشویق می کند (استالپر و همکاران، ۲۰۰۶). یک کارآفرین نمی تواند در کشوری که بدون حاکمیت قانون اداره می شود آزاد باشد. کشورهایی که توسط حاکمیت قانون حکمرانی می شوند موانع کمی برای ورود به سیستم رسمی وضع می کنند اما در کشورهای در حال توسعه که اصل حاکمیت قانون در آن ها اجرا نمی شود موانع زیادی برای کارآفرینان جهت حرکت از یک وضعیت غیر قانونی به یک کسب و کار منسجم

¹ Haggard

² Lubna

وجود دارد و اکثریت کارآفرینی‌های کوچک در بخش‌های غیر رسمی مشغولند (استالپر و همکاران، ۲۰۰۶).

۴. بحث و نتیجه‌گیری

حکمرانی به معنای "نفوذ هدایت شده در فرایند‌های اجتماعی" است. حکمرانی موضوعی است در باره نحوه تعامل دولتها و سایر سازمانهای اجتماعی با یکدیگر، نحوه ارتباط این‌ها با شهروندان و نحوه اتخاذ تصمیمات در جهانی پیچیده است. سیستم حکمرانی چارچوبی است که فرآیند متکی برآن است؛ بدین معنی که مجموعه‌ای از تفاوتات، رویه‌های قراردادها و سیاست‌ها مشخص می‌کنند که قدرت در دست چه کسی باشد. تصمیمات چگونه اتخاذ گردند و وظایف چگونه انجام و ادا می‌شود. با توجه به آنچه در پژوهش بیان شد می‌توان گفت حکمرانی خوب به عنوان الگوی جدید توسعه است که در آن دولت باید بتواند به عنوان یکی از ارکان سه گانه با مشارکت بخش خصوصی و مدنی به فعالیت در جهت دستیابی به توسعه پایدار بپردازد. بنابراین حکمرانی خوب با ویژگیهایی که دارد در تنظیم روابط دولت، بخش خصوصی و نهادهای مدنی، به گونه‌ای عمل می‌کند که هریک از بخش‌ها با اثربخشی بالا به اهداف تعیین شده دست یافته، بازدهی فعالیت را حداکثر نموده و با همکاری تعاملی حداکثر استفاده از توان و ظرفیت‌های موجود را بنمایند. هرقدر که دولتها پاسخگوتر و کارآمدتر باشند ثبات سیاسی بیشتر حاکمیت قانون گسترده‌تر و فساد محدودتر شود حکمرانی خوب برقرار می‌شود. با توجه به اهمیت نظریه حکمرانی خوب پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش توسعه اقتصادی و پیامدهای آن بر حکمرانی خوب انجام شده و نتایج بدست آمده به شرح ذیل است:

به نظر می‌رسد توسعه روابط بین الملل با افزایش کمک نهادها و سازمانهای بین المللی در زمینه‌های مختلف و دریافت وام‌های خارجی در جهت توسعه بخش‌های زیر بنائی و کاهش ریسک-پذیری و ایجاد امنیت برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و افزایش تولید ناخالص ملی بواسطه رشد سرمایه‌گذاری و رشد و گسترش کیفی و کمی نهادهای جامعه مدنی که مشارکت بخش‌های دولتی و خصوصی را در پی خواهد داشت و کاهش هزینه‌های نظامی و اداری حاصل از اصلاح قوانین و ساختارها و نگرش حاکمان زمینه حکمرانی خوب را فراهم می‌آورد.

حکمرانی یکی از اساسی‌ترین نیازهای جوامع بشری است که ضرورت آن بر کسی پوشیده نیست. البته، اختلاف نظرهای جدی در کم و کیف آن وجود دارد، با این حال دغدغه‌ی اصلی اغلب نظریه پردازان این حوزه، اجرای عدالت و جلوگیری از استبداد، خودکامگی و برقراری نظم و امنیت است. قانون اساسی هر کشوری ضمن تعریف اصول اساسی، ساختار، سلسله مراتب، جایگاه و حدود

قدرت سیاسی دولت، به تعیین و تضمین حقوق شهروندان و تنظیم روابط قدرت می‌پردازد. حکمرانی خوب گفتمان جدیدی است که با مولفه‌هایی مانند قانونمندی، مشارکت، مسئولیت-پذیری، پاسخگویی، شفافیت، اثربخشی و کارایی تعریف می‌شود که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است.

حکمرانی خوب چیزی بیش از صرفاً مدیریت کارآمد منابع مالی و اقتصادی یا ارائه خدمات عمومی ویژه است؛ حکمرانی خوب مشتمل بر یک استراتژی وسیع برای تقویت نهادهای جامعه مدنی است. و حکومت را بازتر، پاسخگوتر، حسابپس‌ده تر، و دموکراتیک‌تر می‌سازد؛ در این رویکرد ممکن است بهترین راه برخورد با یک مسئله ویژه برای خط مشی، تدوین مقررات مشارکت با بخش خصوصی سازی یک وظیفه باشد؛ ضمن اینکه تدارک وارائه مستقیم خدمات توسط حکومت و بوروکراسی نیز مانع نخواهد داشت؛ این امر بستگی به شرایط دارد؛ یعنی بسته به شرایط، باید بهترین راه حکمرانی را جست وجو کرد. نظریه حکمرانی از دیدگاه نظریه حکمرانی، هدف حکمرانی خوب، به حداکثر رساندن بهزیستی عمومی و توسعه پایدار انسانی، رضایت مادی و معنوی با رفع نیازهای اساسی و حمایت از حقوق اساسی از قبیل آزادی و گسترش دایره انتخاب هاست، در حالی که حکمرانی بد یا ضعیف، موجب رشد کننتر، خدمات عمومی ناکارآمد، و فرصت های از دست رفته می‌شود. در ادبیات نظریه حکمرانی از این مقوله تحت عنوان «کارایی و اثربخشی» یاد می‌شود. طبق تعریفی که برنامه توسعه سازمان ملل ارائه کرده است: حکمرانی خوب خوب مستلزم وجود فرایندها و نهادهایی است که حاصل آن تأمین نیازهای جامعه توأم با بهترین استفاده از منابع در دسترس است. بنابراین در مقوله کارایی و اثربخشی دو بحث مطرح است: اول حضور فرایندها و نهادهای مورد نیاز در جامعه و دوم، سازماندهی آنها به گونه‌ای که به تأمین نیازهای عمومی واستفاده بهینه از منابع (اعم از منابع مای و منابع انسانی) منجر شود.

حکمرانی خوب مترادف با اصطلاح دولت خوب نیست، چراکه دولت تنها به قوه مجریه اشاره دارد، در حالیکه حکمرانی خوب قوای سه گانه و سایر نهادهای جامعه را در بر می‌گیرد، دولت به ساختارهای نهادی، رسمی و اختیار و استقلال در تصمیم گیری ها اشاره دارد و حکمرانی بیان کننده رابطه بین دولت و نیروهای غیر دولتی است. دولت بیشتر بر خروجی ها تاکید دارد در حالیکه در حکمرانی بر پیامدها و نتایج تاکید می‌شود.

درواقع در حکمرانی خوب با افزایش آزادیهای سیاسی، آزادی مطبوعات و انتشار آزاد اطلاعات به عنوان حقوق ناظر بر اظهارنظر و پاسخگویی در بلندمدت می‌توان انتظار داشت شهروندان این قدرت را داشته باشند که اعمال دولتها را تحت نظارت و کنترل داشته باشند و همین باعث می‌شود حکومتها نسبت به تأمین نیازهای مردم پاسخگوتر باشند و سیاستهایی را انتخاب کنند که منجر

به ارتقای سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری در مخارج عمومی جامعه، تخصیص بهینه منابع و درنهایت بهبود رشد اقتصادی شود. با افزایش ثبات سیاسی در بلندمدت ریسک و ناطمینانی در فضای اقتصادی کشور کاهش یافته و به تبع آن سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی و رشد اقتصادی افزایش می‌یابد. درواقع شاخص حاکمیت قانون بیانگر آن است که در جامعه‌ای که شهروندان و حاکمان آن مطیع قانون بوده و به آن احترام می‌گذارند، قراردادهای دولتی به درستی اجرا می‌شوند، حقوق مالکیت محترم شمرده می‌شود، عملکرد دستگاه قضایی قابل پیش‌بینی و شکایت علیه دولت موفقیت‌آمیز می‌شود و این عامل‌ها باعث تخصیص کارآمد منابع خصوصی و عمومی به فعالیت‌های مولد شده و باعث تسریع در رشد اقتصادی می‌شوند.

نظام تصمیم‌گیری‌های بزرگ یا کلان همان حکمرانی یا حکمرانی است که این تصمیمات بر روی آحاد مردم یا اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها دارای تاثیر است. حکمرانی خوب به نوعی عمل می‌کند که اعتماد اکثریت شهروندان جامعه را بدست آورد ولی در مقابل حکمرانی بد، به نحوی عمل می‌کند که باعث نارضایتی شهروندان می‌شود و اولین چیزی که در این میانه آسیب می‌بیند همانا اعتماد مردم است. محورهای اساسی برای تحقق حکمرانی خوب عبارتند از اثربخشی، ایجاد برابری فرصت‌ها و برابری در بهره‌مندی، برخورداری از بینش استراتژیک کارآمد، تامین نظام شفافیت در کنار پاسخگویی حکومت، اجماع‌سازی یا ایجاد رویکرد توافق‌محور در سطح ملی و اعتمادسازی عمودی و افقی محور، به دیگر سخن اعتماد مردم به حکومت و اعتماد مردم به مردم، و تحقق مشارکت حداکثری مردم در امور سیاسی و اجتماعی. اگر اعتماد مردم خدشه ببیند، هم عمودمحور و هم افقی محور است، به عبارت دیگر، اعتماد مردم به حکومت در کنار اعتماد مردم به مردم نیز خدشه پیدا می‌کند.

حکمرانی خوب یک نظریه و یا یک طرح خیالپردازانه نیست؛ امروزه کشورهای مختلفی تلاش می‌کنند تا این الگورا از تئوری به عمل درآورند. به عنوان نمونه سازمان ملل متعدد در حال اجرای پژوههایی در قالب حکومتداری خوب است. براین اساس انچه ما امروزه به آن نیاز داریم جرات، جسارت، نوآوری و تلاش برای ارتقای شراکت بر اساس برابری و شفافیت، و دیگر ابعاد حکمرانی خوب است.

با توجه به یافته‌ها و نتایج پژوهش موارد پیشنهادی ای که برای یک حکمرانی خوب می‌توان در نظر داشت که با اتکا بر این عوامل به سمت توسعه حرکت کرد و کوتاهی در هریک از این موارد باعث بی‌اعتمادی و فروریختن مشروعيت در نظر مردم می‌شود به شرح ذیل است:

پاسخ‌گویی همه نهادها: از مهم‌ترین شاخص‌های کلیدی حکمرانی خوب پاسخ‌گویی است. که پاسخ‌گویی به همه نهادهای دولتی، خصوصی، و مدنی در درون یک جامعه اطلاق می‌شود که باید

در برابر مردم پاسخ‌گو باشند. نه تنها نهادهای دولتی، بلکه بخش خصوصی و سازمان‌های غیر انتفاعی و غیر دولتی نیز باید به عموم مردم و ذی نفعان خود پاسخ‌گو باشند. رسیدن به شفافیت: به معنای، جریان آزاد اطلاعات و قابلیت دسترسی آسان به ان برای همه است. شفافیت آگاهی افراد جامعه از چگونگی اتخاذ و اجرای تصمیمات است. لازمه چنین هدفی میدان دادن به رسانه و احزاب برای تجزیه و تحلیل و نقد در جامعه است.

جامعه مدنی فعال: شامل همه حوزه‌هایی است که پس از تعیین و تجزیه حوزه دولت باقی می‌ماند. حوزه‌ای که در آن کشمکش‌های اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیک واقع می‌شوند و دولت می‌کوشد آن منازعات را از طریق وساطت یا سرکوب حل کند. کارگزاران این منازعات در درون جامعه مدنی عبارت‌اند از نیروها، طبقات، گروه‌ها، جنبش‌های اجتماعی و نهادها و گروه‌های فشار و انجمن‌ها. عمدت‌ترین کارکرد جامعه مدنی در یک جامعه، هم باعث تحدید پایه‌های قدرت (شامل نظارت و کنترل بر اعمال قدرت در دولتهای دموکراتیک و دموکراسی سازی در دولتهای استبدادی) و هم باعث تقویت پایه‌های قدرت دولت (شامل مشارکت شهروندان، سرمایه اجتماعی، ارتقای تفکر، اعتماد به نظام سیاسی) می‌شود.

مبازه با فساد و سلامت اداری: فساد به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و فرآگیر ممکن است در عرصه‌های گوناگون حیات اجتماعی بروز یابد و چهره‌ای خاص به خود گیرد، اما در تمام انواع فساد مانند فساد خرد، سازمان‌بافت، فساد بزرگ تعمدی بودن، غیرقانونی بودن و جایگزینی منافع خصوصی و شخصی به جای منافع عمومی و دولتی مشاهده می‌شود. فرآگیری و گستردگی فساد موانع جدی را برای توسعه و مردم سالاری و برقراری حکمرانی خوب به وجود می‌آورد.

مشارکت فعال شهروندان: سنگ بنا اصلی حکمرانی خوب به شمار می‌رود. مشارکت مردم می‌تواند به صورت مستقیم و یا از طریق نهادهای مشروع واسطه میان دولت و آن‌ها یا نمایندگان منتخبشان باشد. مشارکت یعنی اینکه تمامی زنان و مردان جامعه باید در تصمیم‌گیری‌ها حق اظهارنظر داشته باشند. میزان مشارکت مردم در امور جامعه یکی از کلیدی‌ترین پایه‌های حکمرانی خوب به شمار می‌رود. حاکمیت قانون: حکمرانی خوب نیازمند چارچوب‌های قانونی بی‌طرفانه است که غیر مغرضانه اجرا شوند و توجه به حقوق شهروندی و در رأس آن حقوق اشار ضعیف و اقلیت‌ها حفظ شود. اجرای بی‌طرفانه قانون تنها باوجود سیستم قضایی مستقل و نیروی پلیس سالم انجام‌پذیر است. اجماع محوری: به این معنا که تصمیمات حکومت باید مبتنی بر منافع درازمدت مردم اتخاذ و صورت بگیرد. و نکته مهم‌تر باید از تمام نظرات مخالف و موافق در تصمیم‌گیری بهره برد تا اجتماعی عمومی در بین گروه‌های سیاسی برای نیل به توسعه جامعه صورت بگیرد. در حقیقت فراهم نمودن زمینه ظهور نظرات متفاوت در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و

اقتصادی، از جمله اصول حکمرانی خوب می‌باشد. حکمران خوب، باید نظرات مختلف را در قالب وفاق عمومی به سمتی رهنمون گرداند که بیشترین همگرایی را با اهداف کل جامعه داشته باشد. مسئولیت‌پذیری مستولان: در حکمرانی خوب، سازمان‌ها و نهادها باید در خدمت ذینفعان و در قبال وظایف محول شده مسئول باشند. هر مشکل یا بحران در سطح جامعه را باید سازمان و بخش مربوط مدیریت کند و هیچ معضلی وجود نداشته باشد که کسی خود را در قبال آن مسئول نداند.

منابع

۱. امامقلی پور، سارا و آسمانه، زهرا (۱۳۹۵) "شاخص حکمرانی در اسلام و تاثیر آن بر بروندادهای سلامت در ایران"، نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، دوره ۱۵ شماره ۱۵
۲. احمد، خورشید و عرب مازار، (۱۳۹۷) "توسعه اقتصادی در یک چارچوب اسلامی"، نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، دوره ۲۵، شماره ۲۵
۳. باقرزاده، محمدسعید؛ طبری، مجتبی؛ مجیبی، تورج؛ باقرزاده محمدرضا (۱۳۹۹) "طراحی و تبیین مدل حکمرانی خوب برای ادارات کل کتابخانه‌های عمومی کشور"، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)، شماره ۱، صص ۳۱۰-۲۸۹.
۴. صامتی، مرتضی؛ رنجبر، همایون؛ محسنی، فضیلت (۱۳۹۰) "تحلیل تأثیر شاخصهای حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASENA)"، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۱، شماره ۴، صص ۲۲۳-۱۸۳.
۵. صباح کرمانی، مجید و باسخا، مهدی. (۱۳۸۸) "نقش حکمرانی خوب در بهبود کارکرد هزینه‌های دولت: مطالعه موردی بخش بهداشت و آموزش کشورهای اسلامی"، نشریه تحقیقات اقتصادی، شماره ۸۶، صص ۲۴-۱.
۶. صفریان، روح‌الله؛ شهرام‌نیا، امیرمسعود؛ امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد؛ مسعودنیا، حسین (۱۳۹۸) "الگوی حکمرانی خوب و توسعه‌ی اقتصادی در ایران و ترکیه (۲۰۰۶ تا ۲۰۱۷)", فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۲، شماره ۱۱۱-۸۷.
۷. محمودی، امیر (۱۳۹۶) "حکمرانی مطلوب؛ سازوکار ایجاد توانمندی در تحقق توسعه"، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۶، شماره ۴، صص ۲۳۶-۲۱۳.
۸. نصیرخانی، پرویز، (۱۳۹۴) "تأثیر حکمرانی خوب به عنوان شاخص اخلاقی بر رشد اقتصادی"، نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، دوره ۳، شماره ۷
۹. یگانگی، سیده عاطفه؛ الوانی، سید مهدی و عمارزاده طهران، غلامرضا (۱۳۹۵) "اولویت‌بندی شاخص‌های حکمرانی خوب در سازمان‌های کارا (مطالعه موردی: شعب بانک رفاه استان قزوین)", دوره ۷، شماره ۱، صص ۹-۱.

10. Addink, Henk (۲۰۱۹), "an Overview of Good Governance", *Good Governance*, DOI: 10.1093/oso/9780198841159.003.0002, pp. ۱۵-۲۴.
11. Alonso, José Antonio and Garcimartín, Carlos (۲۰۰۹) "The Determinants of Institutional Quality, More on the Debate", *Journal of International Development*, Vol. ۲۵, No. ۲, pp. ۲۰۶-۲۲۶.
12. Ardagna, Silvia (۲۰۰۴) "Fiscal stabilizations: When do they work and why", *European Economic Review*, Vol. ۴۸, No. ۵, pp. ۱۰۴۷-۱۰۷۴.
- i. Barro, Robert (۱۹۹۱) "Economic Growth in a Cross Section of Countries, *Quarterly Journal of Economics*", Vol. ۱۰۶, No. ۲, pp. ۴۰۷-۴۳۳.
13. Bartolini, David and Ssantolini, Raffella (۲۰۱۷) "Political institutions behind good governance", *Economic Systems*, Vol. ۴۱, No. ۱, pp. ۶۸-۸۵.
14. Clague, Christopher, Philip Keefer, Stephen Knack, and Mancur Olson (۱۹۹۶) "Property and contract rights in autocracies and democracies", *Journal of economic growth*, Vol. ۱, No. ۲, pp. ۲۴۳-۲۷۶.
15. Doessel, D. P. and Valadkhani, Abbas (۲۰۰۳) "The Effects of Government on Economic Growth in Fiji", *Singapore Economic Review*, Vol. ۴۸, No. ۱, pp. ۲۷-۳۸.
16. Facchini, François and Melki, Mickael (۲۰۱۲) "Efficient Government Size: France in The 20th Century", *European Journal of Political Economy*, Vol. ۲۱, pp. ۱-۱۴.
17. Frey, Klaus (۲۰۰۸) "Development, good governance, and local democracy", *Brazilian Political Science Review (Online)* 3, no. SE (۲۰۰۸):
18. Frivaldo, Florenda S., J. M. Sadera, and D. C. Bueno (۲۰۱۹) "Harmonizing Good Governance across Barangays in a Metropolitan Setting", *Institutional Multidisciplinary Research and Development Journal*, Vol. ۲, pp. ۱۸۴-۱۹۱.
19. GBP (۱۹۹۲) :Political Participation", *The Blackwell encyclopedia of political science*, edited by Vernon bogdanov, Blackwell.
20. Graham, John Amos (2011), Bruce and Time Plumptre Principles for Good Governance in the 21st Century, Policy Brief No.15 August 2003.

21. Guichard, Stéphanie, Mike Kennedy, Eckhard Wurzel, and Christophe André (۲۰۰۷) "What promotes fiscal consolidation: OECD country experiences".
22. Haggard, Stephan, Andrew MacIntyre and Lydia Tiede (۲۰۰۷) "The Rule of Law and Economic Development" by University of California-San Diego.
23. Hammache, Ahmad (۲۰۱۷) "Relation between good governance and economic growth", University of Paris.
24. Hillman, Arye L. (۲۰۰۳) "Public finance and public policy: responsibilities and limitations of government", Cambridge university press.
25. Huang, Yongfu (۲۰۱۰) "Political institutions and financial development: an empirical study", World Development, Vol. ۳۸, No. ۱۲, pp. ۱۶۶۷-۱۶۷۷.
26. Kaufmann, Daniel, and Aart Kraay (۲۰۰۸) "Governance indicators: where are we, where should we be going?", The World Bank Research Observer, Vol. ۲۳, No. ۱, pp. ۱-۳۰.
27. Kooiman, Jan (۲۰۰۳) "Governing as Governance", SAGE Publication, London, Thousand Oaks.Calif.and New Delhi.
28. Larch, Martin, and Alessandro Turrini (۲۰۱۱) "Received wisdom and beyond: lessons from fiscal consolidation in the EU", National Institute Economic Review, Vol. ۲۱۷, R1-R18.
29. Lateef, K. Sarwar (۱۹۹۱) "Comment on 'Governance and Development'", By Boeininger, In Proceedings of the World Bank Annual Conference on Development Economic, pp. ۲۹۵
30. Lubna, Hasan (۲۰۱۱) "Rule of law, legal development and economic growth: Perspectives for Pakistan", J. Advanced Res. L. & Econ. ۲ (۲۰۱۱): ۴۸.
31. Milbrath, Lester W. (۱۹۸۱) "Political participation", The handbook of political behavior, Springer, Boston, MA.
32. Mobius, M. (۲۰۰۱) "Good governance is a global challenge", Corporate Board, Vol. ۲۲, pp. ۱-۴.
33. Plumptre, Timothy Wynne and John Graham (۲۰۰۰) "Governance in the new millennium: challenges for Canada", Institute on Governance.

34. Rafigh Alrahman, Aboo Tayeb (1384), Improving Government Performance through Administrative System Reforms, Safar, Mohammad, Management and Planning Organization Publishing, First Edition.
35. Rahimi, Akhtar (۲۰۱۸), " Governance, corruption and economic growth", Pakistan Economic and Social Review, Vol. ۵۶, No. 1, pp. ۱-۲۰.
36. Rahimi, Roohallah, and Shakeri Hamid (۲۰۱۶) "Reflection on judicial system's corruption and offering solutions to promote its safety", *J. Pol. & L.* Vol. ۹, pp. ۱۸۷.
37. Renani, Mohsen (۱۳۸۳) "The Role of Government in Institutional Reforms through Legislation", Journal of Majlis Research Center, Vol. ۳۹, pp. ۱۳-۳۰.
38. Rose, Jonathan (۲۰۰۴) "The Rule of Law in the western world: an overview", Journal of social philosophy, Vol. ۲۵, No. ۴, pp. ۱-۲۴.
39. Rose-Ackerman, Susan (۲۰۰۸) "Corruption and government. International peacekeeping", Vol. ۱۵, No. ۲, pp. ۳۲۸-۳۴۳.
40. Rose-Ackerman, Susan and Bonnie J. Palifka (۲۰۱۶) "Corruption and government: Causes, consequences, and reform", Cambridge university press.
41. Saeidi, Khalil (۱۳۸۶) "Developement Theories, Cooperative Company of Culture and Arts Entrepreneurs Publishing", First Edition.
42. Shah, Naimatullah&Mangi, Shahnawaz. (2018).IS GOOD GOVERNANCE POSSIBLE THROUGH TACTICS. August Conference: national Graduate Conference, At Allama Iqbal Open University Islamabad, University of Sindh.
43. Singh, N. (2014). Decentralization and legal empowerment. In Decentralizing governance. Emerging concepts and practices, ed. G. Shabbir Cheema and Dennis A. Rondinelli, 229-241. Washington DC: Brooking Institution Press.
44. Smith, B. C. (۲۰۱۵) "Good governance and development", Hounds mills/New York: Palgrave MacMillan.
45. Stratford, Elaine (2007). Sustainable development and good governance: Pathways to good Practice in regional governance. No.3.

46. Un Escap (۲۰۰۹) "What is Good Governance?", At: <http://www.Unescape.Org/huset/22/Governance.htm>.
47. UNDP (2000) "Characteristics of Good governance", The Urban Governance initiative TUGi. UN-HABITAT (2002).The global campaign on Urban Governance. www.unhabitat.org

